

## فلسفه تمدن نوین اسلامی؛ ماهیت و مبانی

دکتر سید علیرضا واسعی<sup>۱</sup>

### چکیده

تمدن نوین اسلامی یا احیای تمدنی نوین زیر چتر دیانت اسلامی، ذهن دسته بزرگی از دغدغه‌مندان و متفکران جهان اسلام را، به ویژه در چند دهه اخیر به خود معطوف داشته است، واقعیت آن است که تمدن نوین و مؤثری در پرتو آموزه‌های اسلامی و در جهان اسلام رو به گسترش است. اینکه چنین تمدنی با چه رویکردها و شالوده‌هایی صورت می‌پذیرد از پرسش‌های بنیادین است، چنان که شکوفایی پیشین آن از همین منظر قابل کاوش و الگوبرداری است. به زعم این نوشتار، تمدن نوین اسلامی، بر پایه چند اصل بنیادین در حال بازآفرینی خویش است: ۱- هدفمندی هستی در پرتو خدامحوری یکتاپرستی؛ ۲- اصل برابری همگان در پیشگاه خداوند و امکان برتری اکتسابی با پایبندی به ارزش‌های متعالی؛ ۳- اصل ساخت دنیا در راستای آخرت (ایجاد تعادل میان دنیا و آخرت، و مستمر دیدن حیات انسانی)؛ ۴- اصل تحقق امت اسلامی است که اساساً دیانت اسلامی موجودیت خود را با آن می‌نمایاند؛ ۵- اصل جهان وطنی اسلام و نیز باور به اعتلای اسلام؛ ۶- اصل علم‌مداری و معرفت‌جویی. این اصول و رویکردها، از یک سو به معنابخشی حیات (بُعد حقیقی و متنی = نرم‌افزاری) می‌انجامد و آدمی را از بحران معنویت می‌رهاند و از دیگر سو زندگی همراه با آسایشی را (بُعد ابزاری = سخت‌افزاری) فراهم می‌سازد.

۱. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مرکز پژوهش‌های اسلامی و انسانی.

ایمیل: vaseiali@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۴/۸/۹ - پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲۳

کلید واژه‌ها: مبانی تمدن نوین اسلامی، احیای تمدن اسلامی، تمدن نوین اسلامی، اعتلای اسلام، الگوی پیشرفت.

## مقدمه

تمدن اسلامی که در دوره‌ای از تاریخ بشر سرآمد زمانه بوده و توانسته بود تمدن‌های موجود را در خود جمع کرده و در فرایندی معقول آن را به صورتی متفاوت درآورد و نقش واسط انتقال تمدن کهن به دنیای جدید را بازی کند،<sup>۱</sup> در گذر زمان و بنا به دلایلی، از نقش آفرینی و پویایی بازماند و برای مدتی دراز نتوانست در عرصه رقابت تمدنی خودنمایی کند. این تغییر وضعیت البته در آغاز و برای دوره‌ای طولانی بر مسلمانان پوشیده ماند تا اینکه در بیش از یک سده اخیر، به دنبال آشنایی مسلمانان با جهان غرب و مدرنیته<sup>۲</sup> و در رویکردی مقایسه‌ای، آهسته‌آهسته پرسش‌هایی در اذهان برخی نقش بست و دسته‌ای از محققان و اندیشمندان اسلامی را به اندیشه و مطالعه واداشت تا راهکاری برای برون‌رفت از وضعیت پیش‌آمده جست‌وجو کنند. بی‌گمان آنان که در این باره سخن به میان آورده‌اند، در نگاهی تاریخی به گذشته تمدن اسلامی و پیشرفت‌هایی که تجربه شده بود، توانایی‌سنجی کرده و بر آن بودند که اسلام و مسلمانان، چنان که در گذشته توانستند تمدنی بزرگ بیافرینند، امروزه نیز می‌توانند چنین کنند، اما برای رسیدن به آن چه باید کرد؟

برخی با نگاهی آسیب‌شناسانه به فرایند تمدن اسلامی، به ارائه نظریه‌ها و پیشنهادهایی روی کردند که برآیند آنها احیای تمدن اسلامی یا ایجاد تمدن نوین اسلامی است، هر چند اطراف و جوانب آن به درستی روشن نیست. یکی از بحث‌های پراهمیت در این زمینه، چیستی تمدن نوین اسلامی و مبانی آن است؛ تمدن اسلامی که در دنیای امروز انتظار حضور و نقش آفرینی آن می‌رود دارای چه ویژگی‌هایی است و بر چه

۱. توین بی، آرنولد، تمدن در بوته آزمایش، ترجمه ابوطالب صارمی، ص ۱۷۵.

۲. در جنبش مشروطه برای اولین بار ایرانیان با مدرنیسم آشنا شدند. بنگرید به: علمداری، کاظم،

چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت، ص ۴۸۹ به بعد.

مبانی ای استواری دارد؟

این مقاله می‌کوشد تا پاسخی درخور برای این پرسش ارائه دهد، به ویژه آنکه سیطره تمدن غربی بر اذهان و اندیشه‌ها، آن‌چنان همه را مسحور خود کرده که برخی را به عدم امکان تصور تمدنی دیگر و بدیل در دنیای امروز متمایل ساخته است. از این رو طرح چنین بحثی اهمیت مضاعف می‌یابد. اما پیش از ورود به بحث، دو نکته مقدماتی را باید مورد توجه قرار داد؛ یکی تعریف تمدن اسلامی و تمایز آن از دیگر تمدن‌ها و دیگر مراحل تمدن اسلامی در طول تاریخ و جایگاه کنونی آن است.

### تمدن اسلامی و مراحل آن

آنان که درباره تمدن اسلامی مطالعه و سخن دارند، به تبع اختلافی که در معنای تمدن وجود دارد، تعاریف گوناگونی از آن ارائه می‌کنند. در اینکه تمدن، به عنوان مفهومی انتزاعی چه معنایی دارد، اتفاق نظری وجود ندارد. برخی آن را به دستاوردهای مادی بشر و دسته‌ای به امور معنوی تعریف کرده‌اند و در بیان نسبتش با فرهنگ، سخنان بسیاری گفته‌اند. هنری لوکاس در تعریف تمدن آورده: پدیده‌ای است به هم‌تنیده که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را شامل می‌شود،<sup>۱</sup> اما آنچه در این نوشتار از تمدن اسلامی مد نظر است، عبارت است از: «نوع خاصی از زندگی انسانی که تابع داشته‌ها و دستاوردهای (نرم‌افزاری) = معنوی و سخت‌افزاری = مادی و جسمانی) معطوف به نیازهای جامعه مسلمانان (نیازهای آرامشی و آسایشی) در پرتو آموزه‌های اسلامی، در طول تاریخ شکل گرفته و ثبات یافته (نهاده شده) است» و چون رنگ اسلامی دارد از دیگر تمدن‌ها متمایز است. بر این اساس، کلیت تمدن اسلامی نه زاده اسلام است و نه دستاورد مسلمانان، بلکه ذیل سایه اسلام و در جامعه مسلمانان شکل گرفته است، از این رو اسلامی شمرده می‌شود؛ چون اگر اسلام نبود و مسلمانان پایبند و پیرو اسلام نبودند، هرگز چنین تمدنی پدید نمی‌آمد، اما این تمدن در رویکرد و جهت، اهداف و غایات، صورت و ساختار با دیگر تمدن‌ها متفاوت است، چنان‌که

۱. لوکاس، هنری، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، ج ۱، ص ۷ و ۱۶.

مبانی خاص خود را دارد.

نکته دومی که حائز اهمیت است سیر تمدن اسلامی و مراحل آن است. تمدن پژوهان، برای آن ادوار و مراحل برشمرده و برآند که تمدن اسلامی، همچون دیگر تمدن‌ها از زمانی که پدید آمد، تا به امروز مراحل را پشت سر نهاده و فراز و فرودی داشته است. نویسندگان دیدگاه‌های مختلفی در این باره ارائه کرده‌اند که یکی از آنها قابل دفاع‌تر به نظر می‌رسد. بر اساس این رهاورد، تمدن اسلامی، هشت مرحله داشته است:

الف: دوران شکل‌گیری و نضج تمدن اسلامی (قرن اول و دوم هجری / هفتم و هشتم میلادی)

ب: دوران حرکت و پیشرفت (قرن سوم هجری / نهم میلادی)

ج: دوران اوج تمدن اسلامی (قرن چهارم تا اوائل هفتم / دهم - سیزدهم)

د: دوران توقف و رکود (قرن هفتم - دهم / شانزدهم - شانزدهم)

ه: دوران تجدید (دهم تا دوازدهم / شانزدهم - هیجدهم)

و: دوران انحطاط (قرن سیزدهم و چهاردهم / نوزدهم تا بیستم)

ز: انقلاب اسلامی ایران، عصر بازگشت<sup>۱</sup>.

ح: صفویه: الگویی برای تمدن اسلامی - ایرانی.

این مراحل البته تا حدی می‌تواند واقعیت تمدن اسلامی را برنموده و مسیر حیاتی را آن را نشان دهد، اما در نگاهی مقایسه‌ای با تمدن غرب می‌توان مراحل اندک متفاوتی را ذکر کرد، با ذکر این نکته که پیدایی اسلام و اوج آن به لحاظ تاریخی با دوره قرون وسطی در غرب هم زمانی داشته و مورخان غرب پژوه اذعان دارند که این دوره در تاریخ اروپا، عصر غلبه کلیسائون و دوره انحطاط و تاریکی یا توحش بوده است. در همین دوره در سوی شرق عالم، تمدنی سر برآورد و در کوتاه مدت مسیر تعالی و پیشرفت را طی مراحل پشت سر گذارد:

۱. مرحله تکوین و پیدایش؛ قرن اول و دوم هجری، برابر با قرن هفتم و هشتم میلادی را

در برمی‌گیرد؛ (برتری نسبی در مقایسه با تمدن غرب).

۱. جعفریان، رسول، کتاب ماه - تاریخ و جغرافیا، ش ۱۰۷-۱۰۸.

۲. مرحله توسعه و گسترش؛ قرون سوم تا پنجم برابر با نهم تا یازدهم میلادی. (برتری مطلق تمدن اسلامی).
۳. مرحله رکود و ایستایی؛ دو قرن ششم و هفتم، برابر با دوازدهم و سیزدهم میلادی. (دوره موازنه).
۴. تداوم رکود تمدن اسلامی و آغاز پیشرفت غرب؛ قرن‌های هشتم، تا دهم، برابر با چهاردهم تا شانزدهم. (دوره برتری نسبی تمدن غربی).
۵. پیشرفت غرب و توقف جهان اسلام؛ قرن دهم تا سیزدهم، برابر با شانزدهم تا نوزدهم. (برتری غرب یا دوره عقب‌افتادگی تمدن اسلامی).
۶. دوره رکود مطلق جهان اسلام و عصر تفرق؛ قرن چهاردهم برابر با بیستم میلادی. (مرحله برتری مطلق تمدن غربی و جهان‌سوم‌انگاری دنیای اسلام).
۷. عصر بیداری جهان اسلام که در دهه‌های اخیر نمایان شده و با انقلاب اسلامی ایران شکوفا گردیده است.<sup>۱</sup> در این مرحله امید به تجلی مجدد تمدن اسلامی در پرتو احیای نخبگان و مصلحان، و بیداری توده‌های مردم در کشورهای اسلامی خودنمایی می‌کند. تاریخ معاصر به ویژه یک صد سال اخیر، با این فضا تجربه شده است.

### اندیشه احیا یا ایجاد تمدن نوین اسلامی

تمدن امری انسانی و کوشاوردی بشری است که در گذر تاریخ به دست می‌آید و این آدمیان اند که با تدبیر و مدیریت خویش به جهت دهی آن دست می‌زنند. این نگاه البته در دوره‌هایی مورد غفلت مسلمانان قرار گرفته است؛ چون با باور به تقدیر و خواست خداوندی، منتظر برتری یابی دین حق بودند، اما روشن‌اندیشان عالم، از این روی آورد فاصله یافتند و از یک سو بر داشته‌های اسلامی پای فشردند، از سوی دیگر به بهره‌گیری از دستاوردها و تجارب دیگران انگشت نهادند تا تمدن جدید اسلامی را محقق سازند. سید جمال‌الدین، به صراحت بیان داشته بود که همه شرایطی که برای پیشرفت ملت‌ها و احراز سعادت در دنیا و آخرت لازم است در اسلام جمع است. این شرایط عبارت

۱. صالحی، سیدعباس، جزوه درسی سال ۱۳۶۵، دانشگاه فردوسی مشهد، با اندکی تغییر.

است از: «لوح عقول امم و قبائل از کدورات خرافات و زنگ‌های عقاید باطله و همیه پاک بوده باشد، (پرهیز از خرافات). دوم آنکه هر فردی از افراد هر ملت باید متصف باشد به نهایت شرافت، یعنی هر واحدی از امم خود را به غیر از رتبه نبوت که رتبه‌ای است الهیه، سزاوار و لایق جمیع پایه‌ها و رتبه‌های افراد انسانی بداند، (شرافت انسان بدون برتری نژادی و طبقاتی). سوم آنکه آحاد هرامتی از امم، عقاید خود را ... بربراهین متقنه و ادله محکمه مؤسس سازند و از اتباع ظنون در عقاید دوری گزینند و به مجرد تقلید آباء و اجداد خویشتن قانع نشوند، زیرا آنکه اگر انسان بلاحجت و دلیل به اموری اعتقاد کند و اتباع ظنون را پیشه خود سازد و به تقلید و پیروی آبای خود خرسند شود، عقل او لامحاله از حرکات فکریه باز ایستد و اندک اندک بلادت و غباوت براو غلبه نماید. (پرهیز از تقلید کورکورانه). چهارم آنکه در هرامتی گروهی پیوسته به راهنمایی و آموزش مردم پردازند و در شناساندن معارف حقه بکوشند و گروهی دیگر وظیفه تربیت اخلاق مردم را به عهده گیرند و از امر به معروف و نهی از منکر غافل نشوند»<sup>۱</sup>.

سید معتقد بود که همه این شرایط در اسلام جمع است. وی برای پاسخ به پرسش پنهانی که ممکن است برای برخی پیش آید که چرا با این فرض، مسلمانان در جهان امروزی ناتوان اند، به این آیه قرآن استناد می‌کند: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾؛ (رعد/۱۱)؛ خداوند دگرگون نمی‌کند آنچه را که در قومی است، مگر زمانی که افراد آن قوم آنچه را که در نفس‌های ایشان است دگرگون کنند. بدین گونه وی علت اصلی بازمانی یا عدم پیشرفت مسلمانان را در سستی خودشان می‌دانست و برای برون رفت از این وضعیت، براین باور بود که با کسب دانش‌های جدید و از طریق خردورزی و استدلال و مکاشفه، و نیز مبارزه با رویه استعماری غرب می‌توانند جایگاه خویش را بیابند.<sup>۳</sup>

۱. عنایت، حمید، سیری در اندیشه سیاسی عرب، ص ۹۴-۹۶.

۲. همان، ص ۹۶.

۳. کسرایی، محمدسالار، چالش سنت و مدرنیته در ایران، ص ۲۹۸.

این نگاه که آغاز حرکت احیایی در جهان اسلام بوده، امروزه مقبولیت عام یافته و حرکت‌هایی را ایجاد کرده است. انقلاب اسلامی ایران و بیداری جهان اسلام، نمود این روی آورد است که با اعتقاد به توانایی ذاتی دین اسلام برای رهبری مسلمانان و تأمین نیرومندی و پیشرفت آنان، و صلاحیت تمدن‌سازی شکل گرفته است. در این راستا دو کار مهم می‌بایست صورت گیرد؛ یکی نقد تمدن غرب و شناخت صحیح از آن و دیگر شناخت توانایی‌های اسلام به صورت نظری و بالینی. در نقد تمدن غرب، البته نویسندگان غربی خود گام‌هایی برداشته و آثاری منتشر ساخته‌اند. کتاب **انحطاط غرب**، اثر اشرپینگلر، فروپاشی تمدن غرب، اثر جی رینگر، بحران تمدن غرب، اثر رنه گنون در این راستا قابل شناسایی‌اند، چنان‌که تحلیل ارزشمند توین بی از تمدن اروپا، ذیل بی‌اهمیت شدن اروپا،<sup>۱</sup> ناظر به همین مقوله است. اما در جهان اسلام نیز نویسندگان به این مقوله روی کردند و در مقاله‌ها و کتاب‌های خود آن را بررسی کرده‌اند. در بیان مشکلات تمدنی غرب، به جنبه‌های اخلاقی، فرهنگی، خانوادگی و... اشاره کرده و مهم‌ترین مشکل آن به خدمت ماشین درآمدن است؛ یعنی ماشینی که می‌خواست در خدمت انسان باشد، عملاً انسان غربی را به کام و خدمت خود کشیده است.<sup>۲</sup>

اما در خصوص نکته دوم، از منظرهای مختلفی دیده شده است که یکی از آن‌ها مبانی و اصولی است که تمدن نوین اسلامی بر آنها استوار است و طبعاً امتیازبخش تمدن اسلامی از دیگر تمدن‌هاست. گرچه شمردن تمامی آنها از حوصله این مقال خارج است، اما از مهم‌ترین آنها نمی‌توان گذشت.

### پیشرفت تمدن اسلامی

برابرداده‌های تاریخی، تمدن اسلامی در دوره‌ای از تاریخ به گونه‌ای سرب‌آورد و شکوفا شد که هیچ تمدنی را یارای هم‌آوردی با آن نبود. ابعاد گوناگون آن؛ یعنی علوم و دانش‌های عقلی، نقلی و تجربی، هنر و معماری، تشکیلات و نظامات سیاسی و

۱. توین بی، آرنولد، تمدن در بوته آزمایش، ترجمه ابوطالب صارمی، ص ۹۸ به بعد.

۲. نصر، سیدحسین، انسان و طبیعت (بحران معنوی انسان متجدد)، ص ۴۳ و ۴۴؛ نیز بنگرید به: رفیع،

جلال، در بهشت شداد.

اجتماعی، عمران و آبادانی و نیز حوزه اخلاقیات آن، چنان چشم‌ها را خیره ساخته بود که حتی نویسندگان غربی به آن اذعان کرده‌اند.<sup>۱</sup> از پایان فتوح مسلمین تا ظهور مغول، قلمرو اسلام را از لحاظ نظم و انضباط اخلاقی، برتری سطح زندگی، سعۀ صدر و اجتناب نسبی از تعصب و توسعه و ترقی علم و ادب، طی قرن‌های دراز، پیشاهنگ تمام دنیای متمدن و مربی فرهنگ عالم انسانیت قرار داد. مهم‌ترین عوامل آن را در تساهل اسلامی و روح معاضدت، حضور در میدان فعالیت (= دوری از رهبانیت)، پایبندی به عهد و اخلاق، دوری از تعصب دینی، قومی و نژادی می‌توان یافت،<sup>۳</sup> چیزی که به عنوان مهم‌ترین مبانی آن قلمداد می‌شود، اصولی که امروزه می‌تواند در بازسازی و خلق تمدن نوین کارآمدی داشته باشد. احیای تمدن نوین، بدون توجه به آنها تحقق نمی‌یابد.

### پایه‌های تمدن نوین اسلامی

ایجاد تمدن نوین اسلامی که در دنیای کنونی، بیش از زمان‌های دیگر مورد عنایت قرار گرفت، در کشورهای مختلفی دنبال شد. برخی وهابیت عربستان را که به زعم خویش در مقام مبارزه با بدعت‌های اسلامی برخاسته بود، در این عرصه ارزیابی می‌کنند،<sup>۴</sup> غافل از اینکه بیشترین رفتار متحجرانه از سوی آنان بروز کرده است و سخت‌ترین عقاید را دنبال کرده‌اند، به گونه‌ای که هیچ فرقه‌ای از مسلمانان با معیار آنان ساز نمی‌آید و عملاً توان تمدن‌سازی ندارد. اقبال، الگوی دیگر اسلامی را ترکیه تصور می‌کند که در میان مسلمانان امروز، از خواب جزمی‌گری برخاسته و به خودآگاهی رسیده است،<sup>۵</sup> در حالی که باید توجه داشت که حرکت پیشروان آن دیار، بیشتر ملی‌گرایانه بود تا

۱. متز، آدام، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا قراگوزلو، ج ۱، ص ۱۶.

۲. زرین‌کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، ص ۲۱.

۳. همان، ص ۲۲ و ۲۳.

۴. اقبال، محمد، احیای فکر دینی در اسلام، ترجمه احمد آرام، ص ۱۷۴.

۵. همان، ص ۱۸۵.

اسلام خواهانه<sup>۱</sup>. اما واقعیت آن است که کشورهای ایران و مالزی هم اکنون بیش از دیگر کشورها به سوی تمدن جدید اسلامی در حرکت اند و باز ایران شیعی از همه بیشتر دغدغه آفرینش تمدن اصیل اسلامی دارد؛ چرا که برخی از توانمندی های تشیع برای تطبیق با تغییرات ناگهانی اجتماعی و سیاسی، برتری آشکاری با دیگر فرقه های اسلامی دارد؛ مثل اصل اجتهاد که به تعبیر عنایت، وسیله انقلابی بالقوه ای است برای رویارویی با قدرت دنیوی<sup>۲</sup>.

### اسلام تمدنی در مالزی

تحولات رخ داده در جهان اسلام، با محوریت ارائه الگویی برای دستیابی به توسعه و پیشرفت، در مالزی با نظر به آینده و به منظور ایجاد یک جامعه مالزیایی مطمئن و باشکوه طراحی شد. در این طرح ده اصل مورد توجه قرار گرفت: ۱. ایمان و تقوای الهی، ۲. حکومت عادل و قابل اعتماد، ۳. قابلیت دفاع از مالزی، ۴. حمایت از حقوق اقلیت ها و زنان، ۵. همبستگی فرهنگی و اخلاقی، ۶. مردمی آزاد و مستقل، ۷. ارجحیت دانش، ۸. توسعه متوازن و فراگیر اقتصادی، ۹. حفظ محیط زیست و ۱۰. کیفیت خوب زندگی<sup>۳</sup>. این طرح به مثابه سند و بیانیه ای فراروی اندیشمندان و سردمداران قرار گرفته و برخی از محققان به تشریح آن پرداختند. کمال حسن، نویسنده مالزیایی، بر اساس این رویکرد، ابراز می دارد که برای بقا در دنیای کنونی، دو کار اساسی باید دنبال شود:

۱- دستیابی به برتری در شاخه های دانش روز و دستیابی به ویژگی های جوامع مترقی؛

۲- تغییر تصویر اسلام به عنوان یک دین نامتمدن و متحجر که توسط غرب معرفی

شده است.<sup>۴</sup>

۱. بنگرید به: مایکل، آندره، اسلام و تمدن اسلامی، ترجمه حسن فروغی، ج ۲، ص ۵۶۳ به بعد.

۲. عنایت، حمید، تفکر نوین سیاسی اسلام، ترجمه ابوطالب صارمی، ص ۲۱۹ به بعد.

۳. نوروزی، اسلام تمدنی: پلی میان سنت و تجدد، پیوست کتاب کاوش های نظری در الهیات و تمدن،

بابایی، ص ۳۹۱.

۴. همان، ص ۴۳۷.

وی در ادامه برای رسیدن به این هدف، پیروی از سه آموزه قرآنی را توصیه می‌کند؛ مفهوم کار به عنوان نوعی عبادت، نقش انسان به عنوان خلیفه خدا در توسعه جهان، قوی بودن در تمامی جنبه‌های زندگی. او در ادامه هشت استراتژی‌ای را که مسلمانان به منظور دستیابی به موفقیت نیاز دارند ذکر می‌کند که به دلیل اهمیت و همسویی با رویکرد این مقاله به ذکر آنها مبادرت می‌شود:

۱. احیای نقش تفکر خلاق و استقلال (اجتهاد) که اسلام به آن تشویق کرده است؛
۲. گسترش و تفسیر مجدد جهاد برای پذیرش نیاز به دانش، علم و تکنولوژی؛
۳. ارتقای کیفیت شرایط اجتماعی و فرهنگی در تمامی زمینه‌ها؛
۴. ارتقای نقش و مأموریت اسلام و مسلمانان به صورت جهانی به عنوان رحمتی برای نوع انسان؛
۵. کاهش وابستگی به دیگر دولت‌ها یا ملت‌ها؛
۶. گسترش جامعه‌ای که به دستورهای قرآنی عشق می‌ورزد و آن را اجرا می‌کند و آن را به عنوان وظیفه‌ای برای گسترش مرزهای دانش قرائت می‌کند؛
۷. برطرف ساختن دوگانگی دانش دینی و دانش جهانی، دو دانشی که برای پیشرفت و توسعه لازم است؛
۸. آگاه ساختن نسل جوان از این امر که رنسانس اروپایی بر اثر تماس اروپایی‌ها با دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی مسلمانان در اسپانیا حاصل شد.<sup>۱</sup>

## روی‌آورد تمدنی ایران اسلامی

طراحی الگویی برای تمدن نوین اسلامی، در ایران با پیشینه بیشتری دنبال شد. با این روی‌آورد نویسنده می‌کوشد تا اصول اصلی و راهکار ایجاد تمدن اسلامی را در این بستر نشان دهد، رهیافتی که در ایران اسلامی شیعی<sup>۲</sup>، توسط رهبران دینی به جد دنبال

۱. همان، ص ۴۳۸-۴۳۹.

۲. جوئل کرم، تسامح و تساهل را رویکردی شیعی می‌داند. بنگرید به: احیای فرهنگی در عهد آل بویه،

شده و می‌شود. آنچه مقام رهبری (مَدَّظِلَّه الْعَالِي) در قالب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بیان داشته و آن را در چهار عرصه فکر، علم، معنویت و زندگی طراحی کردند،<sup>۱</sup> الگویی در این راستاست، گرچه هنوز تا روشن شدن ابعاد گوناگون آن فاصله زیادی است. این الگو در نگاهی گذرا، بر چند پایه اصلی استوار است:

### الف: اصل هدفمندی هستی

این اصل پایه‌ای‌ترین رویکرد تمدن نوین اسلامی است که در پرتو خدامحوری یکتاپرستانه پیگیری می‌شود. بر اساس این مبنا، جهان هستی دارای هدفی روشن<sup>۲</sup> و سنتی لایتغیر است<sup>۳</sup> که خداوند باری و یکتا آن را آفریده و تدبیر می‌کند. در این نگره جهان روح و معنا دارد و امید به زیستن را هر لحظه افزایش می‌دهد، چیزی که دنیای امروزی به شدت به آن نیازمند است. اقبال لاهوری در زمان خویش به این نکته اساسی که همچنان بنیادین است، توجه داده بود که جامعه بشری امروز به سه چیز نیازمند است: تعبیری روحانی از جهان؛ آزادی روحانی فرد؛ و اصولی اساسی و دارای تأثیر جهانی که تکامل اجتماع بشری را بر مبنای روحانی توجیه کند.<sup>۴</sup>

مرحوم مطهری رحمته الله در توضیح این سخن می‌گوید: دنیای امروز از تفسیرهای مادی جهان به تنگ آمده است. همه بدبختی‌هایش از این است. بشر امروز احتیاج دارد به یک تفسیر روحانی از جهان، بفهمد جهان را صاحبی باشد خدانام. تا این فکر در دماغ بشر پیدا نشود، تا بشر این خلقت را عبث می‌داند و تا حیات را عبث می‌داند، همین است که هست، بدتر هم خواهد شد. احتیاج دارد به یک فکر و عقیده و ایمانی که جهان را به یک شکل روحانی تفسیر کند، مبدئی و منتهایی برایش قائل باشد: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ

---

۱. سخنان رهبری (مَدَّظِلَّه الْعَالِي) در جمع اساتید و فضلاء نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی،

سال ۱۳۸۹.

۲. خداوند در قرآن تصریح می‌کند که ما این جهان را بیهوده و باطل نیافریدیم. ص/ ۲۷؛ مؤمنون/ ۱۱۵.

۳. روم/ ۳۰؛ احزاب/ ۶۲.

۴. اقبال، محمد، احیای فکر دینی در اسلام، ترجمه احمد آرام، ص ۲۰۳.

راجعون»؛ بقره/۱۵۹. بشر در میان این همه آزادی‌هایی که دارد احتیاج دارد به یک آزادی معنوی ... بدون اینکه بشر را در ناحیه معنویت خودش آزاد کرده باشیم، آزادی اجتماعی بی‌معناست. پس نیاز دوم آزادی معنوی است. نیاز سوم قانونی که متکامل باشد؛ یعنی بشر را به سوی کمال سوق بدهد، ولی در عین حال از یک ایمان معنوی سرچشمه بگیرد که به هر پدیده ظاهری رنگ معنوی بدهد. آیا شما جز اسلام مکتب دیگری پیدا می‌کنید که این نیازها را برطرف کند؟ چه خوب می‌گوید قرآن: ﴿هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ الْيَمِّ \* تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾. صف/۱۰ و ۱۱.<sup>۱</sup>

اقبال در ادامه ذکر می‌کند حقیقتی که از راه عقل محض به دست می‌آید نمی‌تواند آن حرارت زنده‌ای را داشته باشد که تنها با الهام شخصی حاصل می‌شود. بعد می‌گوید: اروپای امروز بزرگ‌ترین مانع در راه پیشرفت اخلاق بشریت است.<sup>۲</sup>

### ب: برابری همگان و امکان برتری اکتسابی

برابری همگان در پیشگاه خداوند و امکان برتری اکتسابی با پایبندی به ارزش‌های متعالی از آموزه‌های فخرآمیز دینت اسلامی است. اینکه قرآن می‌فرماید ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و به گروه‌ها و قبیله‌هایی درآوردیم که هیچ یک موجب برتری شما نمی‌شود، تصریحی بر برابری آدمیان است که تنها با تقوای پیشگی و پارسایی نزد خداوند ارج و منزلت می‌یابند.<sup>۳</sup> این منزلت هیچ برتری سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی برای کسی نمی‌آفریند و طبعاً هرگونه حس برتری جویی یا خود بزرگ بینی یا خود والاپنداری را از بین می‌برد و همگان را در جایگاه مساوی می‌نشانند. بی‌گمان این اصل، امکان گفت‌وگو و تعامل بدون خشونت و استعلا را پدید می‌آورد و این سنتی آزموده است که وقتی در جهان و جامعه‌ای گفت‌وگو حاکم باشد، پیشرفت نیز پدید می‌آید.<sup>۴</sup>

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲۱، ص ۴۶۷.

۲. همان، ج ۲۱، ص ۲۰۴.

۳. بنگرید به: حجرات/۱۳.

۴. خداوند متعال در قرآن، رسول خود را در فراخوانی مردم به سوی خدا، به طریق حکمت و موعظه نیکو و

## ج: ساخت دنیا در راستای آخرت

دیگر مبنای تمدن نوین اسلامی، ایجاد تعادل میان دنیا و آخرت، و مستمر دیدن حیات انسانی است که به باور همگان، اسلام در میان ادیان آسمانی به زیباترین صورت به تصویر آن پرداخته است. در تفکر اسلامی، دنیا و آخرت دوروی سکه واحدند که هرچه در این روی رخ دهد در روی دیگر اثر می‌دهد و طبعاً توجه به آن روی، برای این روی اثرگذار است. انسانی که در این دنیا ناتوان و نایبناست در آن دنیا نیز چنین است<sup>۱</sup> و هرچه در اینجا بکارند برداشت خواهند کرد؛ یعنی برای انسان چیزی جز سعی و تلاش او نیست و هر کسی بازتاب عمل خویش را در هر اندازه‌ای که باشد خواهد دید<sup>۲</sup>. این اصل البته که هرگونه کژ رفتاری، ستمگری، تجاوز به حقوق دیگران، حرمت شکنی و دیگر رذایل اخلاقی را مانع می‌شود و جامعه‌ای متعالی پدید می‌آورد؛ جامعه‌ای که در آن آدمیان از رفاه و آسایش نیز بهره دارند. در این نگره، توجه به امر دنیا و ساختن آن اهمیتی به قدر توجه به آخرت دارد.

## د: اصل جهان وطنی اسلام و نیز باور به اعتلای اسلام

این رویکرد که اسلام دینی برتر و دارای مرزی عقیدتی، نه جغرافیایی است، از مبانی مهم تمدن نوین اسلامی است. در نگره اسلامی، دیانت برتر و مقبول خداوندی دین اسلام محمدی است که هیچ دینی با آن قابل مقایسه نیست. خداوند در قرآن به صراحت می‌فرماید که اگر کسی جز از اسلام پیروی کند از او پذیرفته نیست؛<sup>۳</sup> چرا که آنچه بر حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وحی شده دین خالص و ساده آدم و ابراهیم و تجدید یک

→ جدال احسن دعوت می‌کند، نحل/ ۱۲۵ و صاحبان خرد و هدایت یافته را با این ویژگی می‌شناساند

که گفتار را می‌شنوند و از بهترین آن پیروی می‌کنند. زمر/ ۱۸.

۱. بنگرید به: ﴿وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا﴾. اسراء/ ۷۲.

۲. بنگرید به: ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ﴾. نجم/ ۳۲.

۳. بنگرید به: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ. وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾. زلزله/ ۷ و ۸.

۴. بنگرید به: ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾. آل عمران/ ۸۵.

توحید فطری و اصلی است<sup>۱</sup> و اگر تمام آدمیان و پریان گرد هم آیند تا برتر از آنچه بر آن حضرت نازل شده و کتابی فراتر از سند و حیانی اسلام (قرآن) بیاورند نمی‌توانند، و لو اینکه همگان به پشتوانه یک دیگر برخیزند.<sup>۲</sup> این رویکرد برگرفته از مبنای تمدن اسلامی، البته مایه تشجیع و ایمان به خویشتن مسلمان می‌شود؛<sup>۳</sup> امری که دنیای امروز مسلمانان به شدت به آن نیاز دارد و اساساً بزرگ‌ترین مشکل امروزیان خودباختگی در برابر دیگران است و اگر ایمان به خویشتن مورد توجه قرار گیرد، قطعاً تحولی عظیم پدید می‌آید.<sup>۴</sup>

آنچه بر اساس این مبنا ایجاد می‌شود، با آنچه در دنیای امروز وجود دارد متفاوت است و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با همین رویکرد، «تشکیل جامعه نمونه اسلامی» و «تشکیل امت واحد جهانی» را الگوی غایی خویش بر شمرده است.

برابر اصول پیش گفته، آدمیان در قلمرو فراخی زندگی می‌کنند که هیچ مرز و حدی آنان را محدود نمی‌سازد. اسلام تنها مرزی است که برگرد حیات جغرافیایی مسلمانان قرار می‌گیرد و هیچ چیز از چنین امتی برتر نیست. این سخن، توصیه و دستور نیست، بلکه توصیف واقعیت زندگی مسلمانی است. انسان مسلمان با تساهل و همزیستی مسالمت آمیز پیش می‌رود و منطق تعامل وی، عملاً همگان را به سوی او می‌کشاند و جهانی فارغ از نزاع و درگیری پدید می‌آورد. این اصل که البته در آغاز می‌تواند مایه مرزبندی دینی قلمداد شود، در سایه اصول گفت‌وگو، قطعاً نتیجه آرامی خواهد داشت. رفتار رسول خدا ﷺ الگوی روشنی برای مسلمانان است که با اخلاق نیکو و ملایمت

۱. عنایت، علم و تمدن در اسلام، ص ۲ به بعد.

۲. بنگرید به: ﴿قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾. اسراء/ ۸۸.

۳. سید جمال‌الدین اسدآبادی یکی از دردهای بزرگ مسلمانان را عدم باور به خویشتن ذکر می‌کرد و درمان آن را ایمان و اعتقاد به مکتب و داشته‌های خویش. بنگرید به: مطهری، مرتضی، نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر، ص ۲۲-۲۴.

۴. بنگرید به: شریعتی، علی، بازشناسی هویت ایرانی-اسلامی (مجموعه آثار ۲۷)، ص ۷۹ به بعد.

وصف ناشدنی به ارشاد مردم پرداخت<sup>۱</sup> و همه درگیری های پیش آمده، واکنشی و دفاعی بود. این چیزی است که دیانت اسلامی به آن دستور می دهد. اگر تهاجم ها و فتنه گری های دیگران نبود، پیامبر ﷺ با آنان برخورد نمی کرد.

### ه: ارزش علم و آگاهی

از دیگر اصول مهم تمدن نوین اسلامی ارزش علم و آگاهی است. سخن گفتن در این باره، بیان بدیهیات است. اسلام دین آگاهی، علم آموزی و معرفت جویی است و حتی عبادت که بر پایه تعبد معنا می یابد، اگر بر آگاهی استوار نباشد از ارزش تهی شمرده می شود.<sup>۲</sup> در روایتی آمده است: «فضل الفقیه علی العابد کفضل الشمس علی الکواکب و من لم یتفقّه فی دینه لم یرض الله له عملاً». <sup>۳</sup> امام علی علیه السلام در اوصاف متقیان می فرماید آنان کسانی اند که گوش های خویش را وقف شنیدن دانش های سودمند می کنند.<sup>۴</sup> بی گمان دانش ورزی در اسلام، نه مرز جغرافیایی می شناسد، نه مرز سنی، نه محدوده ای برای معلم دارد و نه مرزی برای موضوع می شناسد، هر چند مراتب علوم، از حیث اهمیت پاسخ گویی به نیازهای اصلی و متعالی، دارای اولویت می شوند، اما چه بسا همان دانش تابع اقتضائاتی در زمانی در مرتبه بعدی قرار گیرد. به هر روی، اصل ارزش علم و معرفت از ارکان مهم تمدن نوین اسلامی است.

برآیند سخن آنکه، این شالوده ها و رویکردها که از یک سوبه معنابخشی حیات (بُعد حقیقی و متنی = نرم افزاری) می انجامد و آدمی را از بحران معنویت می رهاند و از دیگر سو

---

۱. بنگرید به: «فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ». آل عمران/۱۵۹.

۲. در تفسیر آیه ۵۶ سوره ذاریات که خداوند می فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»، معصوم فرموده است که مراد از آن معرفت است. تفسیر ابی السعود، ج ۲، ص ۱۳۰؛ تفسیر آلوسی، ج ۲۷، ص ۲۵.

۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۱۰. برتری فقیه و دانشمند بر عابد و کرنشگر، بمانند برتری خورشید پرستارگان است و هر که در دینش تفقه نکند، خداوند عملش را نمی پسندد.

۴. «وقفوا اسماعهم علی العلم النافع لهم». نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

زندگی همراه با آسایشی را (بُعد ابزاری = سخت‌افزاری) فراهم می‌سازد، موجب تمایز تمدن اسلامی از دیگر تمدن‌هاست و با توجه به آنها می‌توان تمدن برین و پاسخ‌گویی را به نام تمدن نوین اسلامی در دنیای امروزی پدید آورد.

## منابع

قرآن مجید.

نهج البلاغه.

۱. سخنرانی‌های مقام معظم رهبری (مدظله العالی).
۲. ابن شعبه حرانی، ابومحمد حسن بن حسن، *تحف العقول عن آل الرسول*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابی‌السعود، محمد بن محمد، *تفسیرابی‌السعود*، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.
۴. اقبال لاهوری، محمد، *احیای فکر دینی در اسلام*، ترجمه احمد آرام، انتشارات کتاب‌پایا، تهران، بی‌تا.
۵. آلوسی، *تفسیرالآلوسی*، بی‌نا، بی‌تا.
۶. بابایی، حبیب‌الله، *کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن*، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۳ ش.
۷. توین بی، *آنولد، تمدن در بوتۀ آزمایش*، ترجمه ابوطالب صارمی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۳ ش.
۸. رفیع، جلال، *در بهشت شاد*، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ش.
۹. زرین‌کوب، عبدالحسین، *کارنامه اسلام*، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۱۰. شریعتی، علی، *بازشناسی هویت ایرانی - اسلامی* (مجموعه آثار ۲۷)، انتشارات الهام، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۱۱. علمداری، کاظم، *چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت*، نشر توسعه، تهران، چاپ نهم، ۱۳۸۲ ش.
۱۲. عنایت، حمید، *تفکر نوین سیاسی اسلام*، ترجمه ابوطالب صارمی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۱۳. \_\_\_\_\_، *سیری در اندیشه سیاسی عرب*، انتشارات سپهر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ش.
۱۴. کرم، جونل، *احیای فرهنگی در عهد آل بویه*، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۱۵. کسرایی، محمد سالار، *چالش سنت و مدرنیته در ایران*، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۱۶. لوکاس، هنری، *تاریخ تمدن*، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، انتشارات کیهان، تهران،

- ۱۳۶۶ ش.
۱۷. مایکل، آندره با همکاری هانری لوران، *اسلام و تمدن اسلامی*، ترجمه حسن فروغی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۱۸. متز، آدام، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ترجمه علیرضا قراگوزلو، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۴ ش.
۱۹. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران، انتشارات صدرا، ج ۳۵.
۲۰. \_\_\_\_\_، *نهضت های اسلامی در صدساله اخیر*، انتشارات صدرا، تهران، چاپ بیست و دوم، ۱۳۷۶ ش.
۲۱. نصر، سیدحسین، *انسان و طبیعت (بحران معنوی انسان متجدد)*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۹ ش.